

راه‌های تثبیت نعمت در قرآن و روایات

سیما طاهارلو^۱

چکیده

خداوند متعال به عنوان خالق و مدبر انسان، نعمت‌های بیکرانی را در این دنیا در اختیار انسان قرار داده است. این نعمت‌ها شامل هر گونه بهره‌ای است که انسان در زندگی از آن سود می‌برد. به طور کلی نعمت‌های مزبور را می‌توان به دو قسمت عمده ی ظاهری و باطنی که فقط از طریق تدبیر قابل تشخیص می‌باشند تقسیم کرد. انسان لازم است با به کار گیری روشهایی نعمت‌های فرو فرستاده شده از طرف خداوند را تثبیت نماید. این تحقیق با هدف تبیین راه‌هایی تثبیت نعمت از منظر قرآن و روایات و با روش نقلی، توصیفی انجام شده است و به این نتیجه رسیده است که در آموزه های قرآنی و روایی راه‌هایی برای تثبیت نعمات بی‌شمار خداوند ارائه شده است. شکرگذاری، حمد پروردگار، تقوا و پرهیز از گناهان، قناعت کردن و عدم اسراف در استفاده از نعمتها، شناخت خداوند و خشوع داشتن در برابر خداوند از راه‌های ارائه شده در آموزه های اسلامی برای تثبیت نعمات پروردگار هستند که لازم است انسان هنگام نزول نعمات به آنها توجه نموده و با استفاده از این راهها از زوال و عدم تداوم نعمات خداوندی جلوگیری نماید.

کلیدواژه

تثبیت نعمت، روایات، قرآن، نعمت

^۱. طلبه سطح ۲- حوزه علمیه الزهرا (س) خوی

قرآن کریم از هر چه در جهان آفرینش وجود دارد به نعمت یاد می‌کند. نعمت به معنای حالت خوب و بهره-ها و آنچه مایه خوشی و سرور انسان است. اغلب انسان‌ها با شنیدن واژه نعمت به سراغ امکانات مادی می‌روند و از نعمت‌های بی‌شمار معنوی و دورنی غافل می‌شوند در حالی که قرآن کریم مکرر در مورد نعمت‌های بی‌پایان خداوند تأکید کرده است. تقسیم نعمت به دو دسته ظاهری و باطنی به طور صریح در قرآن کریم آمده است و روایات اهل بیت به تبیین آن‌ها پرداخته‌اند.

پژوهش پیش رو در صدد آن است که راه‌های تثبیت نعمت و آثاری که می‌تواند در زندگی انسان داشته باشد را مورد بررسی قرار دهد. در نهایت نعمت شناسی باعث می‌شود راهی برای ورود به قلمرو شکر باز شود و موجب قرب و نزدیکی به خداوند و دوری از غفلت می‌شود و زمینه برای حمد و ستایش پروردگار فراهم می‌آید و در این حال خداوند متعال نعمت‌های بی‌شمار خود را برای انسان سرازیر می‌کند.

برخی از نویسندگان در این زمینه مطالبی را ارائه کرده‌اند که از جمله آن می‌توان به کتاب رضایت از زندگی، عباس پسندیده، قم، دارالحدیث، ۱۳۸۴ اشاره کرد و از مقالاتی نظیر گونه‌شناسی نعمت در قرآن، سید رسول موسوی، نشریه، تفسیر اهل بیت، بهار ۱۳۹۴ و روش تربیتی یادآوری نعمت‌ها، هادی حسین خانی نایینی، معرفت ۱۳۸۷، شماره ۱۳۰ نام برد.

اما از آنجایی که در کتاب‌ها و مقالات ذکر شده به راه‌های تثبیت نعمت در قرآن و روایات به صورت مستقل پرداخته نشده است. بنابراین مقاله حاضر در پی پاسخ دادن به سوالاتی از جمله چیستی و چرایی نعمت شناسی و راه‌های تثبیت نعمت برای انسان می‌باشد.

مفهوم شناسی

کلمه نِعَم جمع نعمه است^۱ و نعمت در اصل لغت به معنای بنای نوع بوده ولی استعمالش در هر چیزی که سازگار آدمی است، و انسان از آن لذت می‌برد، غلبه کرده است و بیشتر در این مورد استعمال می‌شود^۲.

نعمت یعنی احسان و نیکی و دستگیری که در حق کسی می‌شود. آسایش و رفاهی که برای فردی محقق می‌شود. و نعمت خدا لطف و احسانی که به بندگان می‌کند و مواهبی که از جانب او نصیب بندگان می‌گردد خواه مادی باشند خواه معنوی^۳.

النعمه ج نِعَم و أَنْعَم و نِعَمَات و نِعَمَات است. کار خوب، نیکی احسان، رزق و روزی که به کسی دهند، نعمت شادی خرسندی، مسرت، خوشبختی و رفاه، ناز و نعمت است و گویند فلانٌ واسعُ النِّعمَةِ (فلانی مال بسیار دارد)^۴.

نعمت با کسره حرف اول به معنی نیکویی و حالت نیکوست این وزن یعنی فعله- بیانگر حالتی است که انسان بر آن حالت است مثل جلسه، حالتی از نشستن انسان و رکبه، حالت سواری بر مرکب است اما نعمت با فتحه حرف اول یعنی آسایش و رفاه داشتن است. به کار بردن نعمت در مورد نیکوئی کم یا زیاد هر دو به صورت اسم جنس به کار می‌رود و انعام رساندن نیکی به دیگران است که فقط در مورد انسان به کار می‌رود و درباره موجودات دیگر غیر از انسان گفته می‌شود. مثلاً می‌گویند انعم فلان علی فرسه (او به اسبش انعام کرد) که در این صورت غلط است^۵.

۱. طباطبایی، ترجمه تفسیر المیزان، مترجم: محمدباقر موسوی همدانی، ج ۱۶، ص ۳۴۳؛ قریشی، قاموس قرآن، ج ۵، ص ۸۶؛ حسینی دشتی، معارف و معاریف، ج ۵، ص ۷۷۶.

۲. طباطبایی، همان، ج ۱۶، ص ۳۴۳.

۳. غیائی کرمانی، لغتنامه قرآن کریم (نگاهی نو به نثر طوبی)، ص ۴۳۸؛ عمید، فرهنگ فارسی عمید، ص ۱۱۶۴؛ حسینی دشتی، معارف و معاریف، ج ۵، ص ۷۷۸؛ نراقی، معراج السعاده، ص ۷۲۸.

۴. بندر ریگی، المُنجد، ص ۱۹۶۸.

۵. راغب اصفهانی، ترجمه و تحقیق مفردات الفاظ قرآن، مترجم: سید غلامرضا خسروی حسینی، ج ۳، صص ۳۶۸-۳۶۹.

انواع نعمت

نعمت‌های ظاهری و باطنی

نعمت‌های بی‌کران الهی دو نوع هستند که برخی از آن‌ها ظاهری و محسوس‌اند. و برخی دیگر که باطنی محسوب می‌شوند با دیده عقل و بدون تحقیق و تدبر قابل تشخیص نیستند. تقسیم‌بندی نعمت به دو دسته ظاهری و باطنی به طور صریح در قرآن کریم آمده است و روایات اهل بیت هم به تبیین این دو دسته پرداخته‌اند.

«أَلَمْ تَرَوْا أَنَّ اللَّهَ سَخَّرَ لَكُم مَّا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَ أَسْبَغَ عَلَيْكُمْ نِعَمَهُ ظَاهِرَةً وَ بَاطِنَةً^۱؛ (آیا ندیدید خداوند آنچه را در آسمان‌ها و زمین است مسخر شما کرده و نعمت‌های آشکار و پنهان خود را به طور فراوان بر شما ارزانی داشته است).

«وَ أَسْبَغَ عَلَيْكُمْ نِعَمَهُ ظَاهِرَةً وَ بَاطِنَةً» کلمه اسبغ به معنای سنگ تمام گذاشتن است و معنای جمله این است که نعمت‌های ظاهری و باطنی را بر شما تمام کرد و توسعه داد. مراد از نعمت‌های ظاهری بنابر اینکه خطاب در آیه به مشرکین باشد حواس ظاهری از گوش، چشم و اعضای بدن، سلامتی و عافیت و روزی طیب و گوارا است.

و اگر خطاب به عموم انسان‌ها باشد مراد از نعمت‌های ظاهری علاوه بر نعمت‌های مذکور دین نیز جزء نعمت‌های ظاهری محسوب می‌شود چون دین از نعمت‌های محسوسی است که امور دنیا و آخرت مردم را نظام می‌بخشد.

اما مراد از نعمت‌های باطنی نعمت‌های غایب از حس است مانند شعور و اراده و عقل به اضافه مقامات معنوی که تنها از راه اخلاص در عمل حاصل می‌گردد.^۲

بعضی نعمت ظاهر را چیزی می‌دانند که برای هیچ کس قابل انکار نیست همچون آفرینش حیات و انواع روزی‌ها و نعمت باطن را اشاره به اموری می‌دانند که بدون دقت و مطالعه قابل درک نیست مانند بسیاری از قدرت‌های روحی و غرائز سازنده. بعضی نعمت ظاهر را اعضای ظاهری و نعمت باطن را قلب شمرده‌اند و بعضی دیگر نعمت ظاهری را زیبایی و قامت راست و سلامت اعضا و نعمت باطن را «المعرفه الله» دانسته‌اند.^۳

۱. لقمان: ۲۰.

۲. طباطبائی، ترجمه تفسیر المیزان، مترجم: محمدباقر موسوی همدانی، ج ۱۶، ص ۳۴۳.

۳. مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۱۷، صص ۷۵-۷۶.

در روایتی از ابن عباس نقل شده است که گفت از پیامبر (ص) درباره جمله «ظاهره و باطنه» پرسیدم. فرمود ای پسر عباس نعمت‌های آشکار اسلام است و آفرینش نیکو و هماهنگی که برای او قرار داده و روزی سرشار که به تو بخشیده است و نعمت‌های نهان پوشاندن اعمال بد تو و رسوا ساختن تو به وسیله آن‌هاست ای پسر عباس خدای متعال می‌فرماید: سه چیز است که من برای مؤمن قرار دادم در حالی که او را در آن‌ها اختیاری نیست اول دعای مؤمنان برای او پس از مرگ، دوم اختیار یک سوم مالش برای پاک سازی گناهانش، سوم کردارهای زشت او را پوشاندم و به وسیله آن‌ها رسوایش نساختم در صورتی که اگر اعمال زشت او آشکار می‌شد خانواده‌ات هم از تو متنفر و گریزان می‌شدند چه برسد به دیگران که این پوشاندن معایب در زشتی‌ها نعمت باطنی محسوب می‌شود.^۱

روایتی از امام باقر (ع) است که: «نعمت آشکار عبارت است از وجود پیامبر و شناخت خداوند عز و جل و توحید او که آن حضرت آورده است و نعمت پنهان و باطنی ولایت ما اهل بیت است و دل دادن به محبت ما». و طبق روایتی دیگر از امام کاظم آن دو را به امام ظاهر و امام غایب تفسیر کرده است چنانکه از وی نقل شده است.

«النعمه ظاهره الإمام الظاهره و الباطنه الإمام الغائب»؛
(نعمت آشکار وجود امام ظاهر و نعمت نهان وجود امام غایب است)^۲.

نعمت عام و نعمت خاص

مقصود از نعمت‌های عام مظاهر رحمت رحمانیه خداوندند که همه انسان‌ها اعم از نیکوکار و تبهکار، از آن‌ها برخوردارند که در سوره فاطر آیه ۳ خداوند متعال می‌فرماید:

«يَا أَيُّهَا النَّاسُ اذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ هَلْ مِنْ خَالِقٍ غَيْرُ اللَّهِ يَرْزُقُكُمْ مِنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ فَأَنْتَى تُفَكُّونَ»؛ (ای مردم به یاد آورید نعمت خدا را بر شما، آیا آفریننده‌ای جز خدا هست که شما را از آسمان و زمین روزی دهد؟ هیچ معبودی جز او نیست با این حال چگونه به سوی باطل منحرف می‌شوید).

خداوند سبحان انواع امکانات آسمانی و زمینی را برای زندگی انسان فراهم کرده است مانند نور خورشید، باد، باران، معادن و ذخایر زیرزمینی، انواع گیاهان و میوه‌ها، همه این‌ها نعمت‌های عام و آشکار الهی هستند که

^۱. محمدی ری شهری، میزان الحکمه، ص ۶۳۵۳.

^۲. موسوی، گونه‌شناسی نعمت در قرآن، ص ۸.

نتیجه گیری

خداوند متعال خالق تمامی انسان‌ها و جهان آفرینش است و از این رو نعمت‌های بی‌کران زیادی را برای انسان آفریده است. نعمت آن احسان و نیکی و رفاهی که عاید کسی گردد و مواهب و رزق و روزی که از طرف خداوند به موجود دارای قوه عاقله تعلق می‌گیرد.

نعمت‌های خداوند بی‌نهایت و قابل شمارش نیستند که برخی از آن‌ها ظاهری و محسوس‌اند و برخی دیگر باطنی و از طریق تدبیر قابل تشخیص می‌باشد و نعمت‌های عامی که شامل همه انسان‌ها چه کافر چه مسلمان می‌شود ولی نوعی از نعمت وجود دارد که فراگیر نیستند و فقط به شمار محدودی از انسان‌ها می‌رسند. که نعمت‌های خاص نامیده می‌شوند.

برخی از اعمال موجب تثبیت نعمت در زندگی انسان می‌شود که در قرآن و روایات هم از آن‌ها نام برده شده است همچون شکرگزاری که مایه فزونی نعمت است. چون معلوم می‌شود که در آن زندگی نعمت‌ها و خوبی‌ها ناشناخته باقی نمانده‌اند و مورد توجه قرار گرفته‌اند. و هنگام شناخت نعمت انسان در مورد خالق آن تدبیر می‌کند و زمینه حمد و عبادت فراهم می‌شود و خداوند نعمت‌های زیادی را در زندگی چنین فردی به تثبیت می‌رساند. تقوا نیز از عوامل تثبیت نعمت می‌باشد زیرا انسان متقی ضمیر درونی خود را پاک نگه داشته و از ریا و تملق دور گشته است تقوا که یکی از عوامل سعادت و رستگاری است موجب نزول رحمت و برکات الهی می‌گردد و چنین انسانی در زندگی خود همیشه راضی به رضای خدا بوده و قناعت را سرلوحه کار خود قرار می‌دهد و هیچ‌گاه چشم طمع به مال و منال دیگران ندارد.

و از آنجایی که بشر ذاتاً دنبال احترام و محبوبیت است از طریق احسان کردن و انفاق مورد توجه و عنایت خداوند قرار می‌گیرد. و خداوند نیز شخص انفاق‌گر و نیکوکار را در جامعه میان مردم عزت و ارج می‌دهد و مورد احترام دیگران قرار می‌گیرد. تمامی نعمت‌های مذکور نعمت‌های بزرگی هستند که در زندگی انسان نمایان می‌شوند و از جانب خداوند مورد تثبیت قرار می‌گیرند.

در نهایت توجه به نعمت‌های گسترده الهی زمینه را برای شناخت خالق آن‌ها فراهم می‌کند و آثار و برکات فراوانی را هم در زندگی فردی و هم در زندگی اجتماعی بشر به دنبال دارد و چنین فردی در مقابل خالق توانا خضوع و خشوع می‌کند زیرا جایگاه خود را شناخته است و لطف و محبت خداوند در دل او جای می‌گیرد و به نعمت‌ها ایمان قلبی پیدا می‌کند و برای ادای شکر دست به حمد و عبادت پروردگار می‌زند.

منابع و مأخذ

- قرآن

• نهج البلاغه، مترجم: محمد دشتی

۱. ابن بابویه، محمد بن علی، پاداش نیکی‌ها و کیفر گناهان؛ ترجمه ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، قم، سرور، ۱۳۸۸.
۲. ایرانی، حسین، نیت و عبادت، قم، مسجد مقدس جمکران، ۱۳۸۷.
۳. بندریگی، محمد، المنجد، تهران، انتشارات ایران، چاپ سوم، ۱۳۸۰.
۴. پاینده، ابوالقاسم، نهج الفصاحه، انصاریان، قم، ۱۳۸۷.
۵. پسندیده، عباس، رضایت از زندگی، قم، سازمان چاپ و نشر دارالحديث، چاپ یازدهم، ۱۳۹۱.
۶. حسینی دشتی، مصطفی، معارف و معاریف، تهران، مؤسسه فرهنگی آریه، چاپ اول، ۱۳۸۵.
۷. دستغیب، سیدعبدالحسین، قلب سلیم، مشهد، هاتف، چاپ اول، ۱۳۸۹.
۸. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات الفاظ قرآن، مترجم: غلامرضا خسروی حسینی، تهران، مرتضوی، چاپ دوم، ۱۳۸۱.
۹. سعیدی مهر، محمد، آموزش کلام اسلامی ۱، قم، کتاب طه، چاپ ۱۹، ۱۳۹۴.
۱۰. طباطبایی، محمدحسین، ترجمه المیزان، مترجم: محمدباقر موسوی همدانی، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ بیست و هشتم، ۱۳۸۸.
۱۱. عمید، حسن، فرهنگ عمید، تهران، امیرکبیر، چاپ سی‌ام، ۱۳۸۳.
۱۲. غیاثی کرمانی، محمدرضا، لغت‌نامه قرآن کریم (نگاهی نو به نثر طوبی)، قم، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود، ۱۳۸۹.
۱۳. فرحزاد، حبیب الله، احسان راهی به سوی خوشبختی، قم، نشر عطش، چاپ چهارم، ۱۳۹۵.
۱۴. _____، _____، آرامش زندگی در پرتو تقوا، قم، طوبای محبت، ۱۳۹۵.
۱۵. قریشی، علی اکبر، قاموس قرآن، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ پانزدهم، ۱۳۸۶.
۱۶. قلی‌پور مازندرانی، قاسم، سی گوهر شب چراغ، مشهد، نشر یوسف فاطمه (ع)، چاپ دوم، ۱۳۸۷.
۱۷. محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمه، مترجم: حمیدرضا شفیعی، قم، دارالحديث، چاپ اول، ۱۳۷۷.
۱۸. مصباح یزدی، محمدتقی، آیین پرواز، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، چاپ دوم، ۱۳۸۵.
۱۹. مطهری، مرتضی، ده گفتار، تهران: قم: صدرا، چاپ بیست و هفتم، ۱۳۸۸.
۲۰. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران، دارالمتب الاسلامیه، چاپ بیست و هشتم، ۱۳۸۵.
۲۱. نراقی، ملا احمد، معراج السعاده، مصحح: سیداحمد شادرخ، تهران، راه علم، چاپ اول، ۱۳۸۶.

مقالات

۱. موسوی، رسول، "گونه‌شناسی نعمت در قرآن"، نشریه تفسیر اهل بیت (ع)، ۱۳۹۴، سال سوم، شماره ۱.